



یادداشتهای قرآنی

دکتر فریدون سیامک‌نژاد

سوره زخرف از سوره‌های مکی است. طبیعت سوره‌های مکی که بیشتر بر محور اعتقادات اساسی اسلامی دور می‌زند و از مبدأ، معاد، نبوت، قرآن، انذار و بشارت بحث می‌کند، در آن منعکس است. مباحث این سوره را می‌توان به‌طور فشرده در هفت بخش خلاصه کرد، که به تدریج به بررسی آن، به یاری خداوند، خواهیم پرداخت. در حدیثی از پیامبر اسلام (ص) در فضیلت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ
(آیه ۷ سوره زخرف)
ولی هیچ پیامبری به سوی آن‌ها نمی‌آمد، مگر این که او را استهزا می‌کردند.

یادآوری

همان‌گونه که ملاحظه فرمودید، بررسی سوره شوری به پایان رسید و به حول و قوه الهی، سوره زخرف را آغاز می‌کنیم.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
فَاَهْلَكْنَا اَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَّ مَضٰی مَثَلُ
الْاَوَّلِیْنَ (آیه ۸ سوره زخرف)
ولی ما کسانی را که نیرومندتر از آنها بودند،
هلاک کردیم و داستان پیشینیان گذشت.

یادآوری

همان‌گونه که ملاحظه کردید، در آیه
قبل، بحث از استهزاء پیامبران الهی بود و این
که افراد لجوج و خودخواه و صاحب منصب،
زیر بار رسالت رسولان الهی نرفته، آنها را
به باد تمسخر می‌گرفتند.

برای این که این گونه افراد تصور
نکنند که لطف بی حساب خداوند، مانع
مجازات آنها در پایان کار خواهد شد، که
مجازات نیز خود، مقتضای حکمت او است، در
آیه فوق چنین می‌فرماید که ما کسانی را
که نیرومندتر از این‌ها بودند، هلاک و نابود
کردیم و داستان پیشینیان قبلاً گذشت.

در آیاتی که قبلاً بر توای پیامبر (ص)
نازل کرده ایم، نمونه‌های زیادی از این اقوام
سرکش و طغیان‌گر مطرح شده‌اند و شرح
حال آنها از طریق وحی، بی‌کم و کاست بر
تو نازل گردیده است. در میان آنها اقوامی
بودند که از مشرکان عرب بسیار نیرومندتر
بودند. آنها کسانی بودند که امکانات، ثروت،
نفرات، لشکر و استعداد فراوان داشتند. اقوامی
همچون فرعون و فرعونیان، زورمندان همچون
قوم عاد و ثمود بودند، اما بروید و ویرانه‌های
شهرهای آنها را ببینید و سرگذشت آنها را

تلاوت این سوره چنین آمده است که کسی
که سوره زخرف را تلاوت کند، از کسانی
است که روز قیامت به این خطاب مخاطب
می‌شود: ای بندگان من! امروز نه ترسی
بر شما است و نه غمی، بدون حساب وارد
بهشت می‌شوید.

در هر صورت این بشارت بزرگ و فضیلت
بی حساب، تنها با تلاوت خالی از اندیشه و
ایمان و عمل حاصل نمی‌شود، چرا که
تلاوت مقدمه‌ای است برای اندیشه و ایمان و
عمل نیز، ثمره‌ای از آن است.

یکی از مسایلی که بارها در قرآن مجید
به شکل‌های مختلف مطرح شده است،
استهزاء پیامبران الهی است! کسانی که وجود
رسولان خدایی را، مخالف موقعیت اجتماعی
خود می‌دیدند، سعی در انکار آنها کرده،
ایشان را به باد تمسخر و استهزا می‌گرفتند!
از این رو، آیه فوق در رابطه با منکران
پیامبران الهی چنین می‌فرماید که هیچ
پیامبری به سراغشان نمی‌آمد، مگر این
که او را به باد استهزا و مسخره می‌گرفتند.
البته، این مخالفت‌ها و سخریه‌ها، هرگز مانع
لطف الهی نبود. این فیضی است که از ازل تا به
ابد ادامه یافته و جودی است که بر همه بندگان
می‌کند و اصلاً آنها را برای رحمت آفریده است.
به همین دلیل، اعراض و لجاجت شما، هرگز
مانع لطف او نخواهد بود و پیامبر (ص) و مؤمنان
راستین هم نباید دل سرد شوند، که این اعراض
از حق و پیروی از شهوات و هوی و هوس نیز،
سابقه طولانی دارد (جمعه ۹۹/۱۱/۳)!

این تعبیر که در چهار آیه از آیات قرآن مجید با تفاوت مختصری آمده است (آیه ۶۱ سوره عنکبوت، آیه ۲۵ سوره لقمان، آیه ۳۸ سوره زمر و آیه مورد بحث در سوره زخرف)، از یک سو دلیل بر فطری بودن خداشناسی و تجلی نور الهی در سرشت انسان‌ها است و از سوی دیگر، دلیل بر این است که مشرکان به این حقیقت که خالق آسمان‌ها و زمین خدا است، معترف بودند و جز در موارد نادری، برای معبودان خود، خالقیت قائل نبودند.

همچنین باید گفته شود که این اعتراف، پایه‌ای است برای ابطال عبودیت بت‌ها می‌باشد، چرا که شایسته عبادت کسی است که خالق و مدبر عالم باشد، نه موجوداتی که هیچ سهمی در این قسمت ندارند.

بنابراین، اعتراف آن‌ها به خالقیت خداوند تبارک و تعالی، دلیل دندان شکنی بر بطلان مذهب فاسدشان بود.

تعبیر به عزیز و حکیم که بیانگر قدرت مطلقه پروردگار و علم و حکمت او است، اگر چه یک تعبیر قرآنی است، ولی مطلبی نبوده که مشرکان منکر آن باشند، چرا که لازمه اعتراف به خالقیت خداوند نسبت به آسمان‌ها و زمین، وجود این دو صفت برای خدا است. آن‌ها حتی برای بت‌هایشان علم و قدرت قائل بودند، تا چه رسد به خداوند که بت‌ها را واسطه میان خود و او می‌دانستند (یکشنبه ۹۹/۱۱/۵).

در تاریخ بخوانید. از همه روشن‌تر، آنچه را در قرآن مجید درباره آن‌ها نازل شده است، بررسی کنید، تا بدانید شما طاغیان لجوج، از عذاب دردناک الهی هرگز در امان نیستید! به هر حال، این آیه شبیه چیزی است که در آیه ۷۸ سوره قصص گذشت و آن این که می‌فرماید: آیا قارون نمی‌دانست که خداوند اقوامی را پیش از او نابود کرد که از او نیرومندتر و ثروتمندتر بودند (شنبه ۹۹/۱۱/۴)!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ
(آیه ۹ سوره زخرف)

هرگاه از آنان بپرسی: چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است؟ مسلماً می‌گویند: خداوند قادر و دانا آن‌ها را آفریده است.

یادآوری

بعد از آن که در آیات قبل، به مسأله استهزاء پیامبران الهی توسط مشرکان پرداخته شد، در آیه مورد بحث به فطرت و سرشت انسان‌ها اشاره کرده و از این مسأله برای اثبات توحید کمک می‌گیرد.

از این رو، در آیه فوق چنین می‌فرماید که هر گاه از آن‌ها سؤال کنی چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده، مسلماً در پاسخ می‌گویند که خداوند عزیز و علیم آفریننده آن‌ها است.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا
سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (آیه ۱۰۱ سوره زخرف)

همان کسی که زمین را محل آرامش شما قرار داد و برای شما در آن راه‌هایی آفرید، باشد که هدایت شوید (و به مقصد برسید).

یادآوری

خداوند در آیات مختلف قرآن مجید به نعمت‌های بزرگ الهی که هر یک نمونه‌ای از نظام آفرینش و آیتی از آیات خدا است، اشاره می‌کند.

در آیه فوق نخست از زمین شروع کرده و می‌فرماید: همان خداوندی که زمین را برای شما گاهواره و محل آرامش قرار داد.

آری خداوند زمین را گاهواره انسان قرار داد و درحالی که چندین نوع حرکت دارد، در پرتو قانون جاذبه و قشر عظیم هوایی که آن را از هر سو فرا گرفته و عوامل گوناگون دیگر، چنان آرام است که ساکنان آن، کمترین ناراحتی احساس نمی‌کنند.

سپس، برای بیان نعمت دوم می‌افزاید: او برای شما در زمین، راه‌هایی قرار داد تا هدایت شوید و به مقصد برسید.

این نعمت که بارها در قرآن مجید به آن اشاره شده است (آیه ۵۳ سوره طه، آیه ۳۱ سوره انبیاء و آیه ۱۵ سوره نحل) از نعمت‌هایی است که بسیاری از آن غافل هستند، زیرا می‌دانیم تقریباً

سراسر خشکی‌ها را چین خوردگی‌های بسیار فرا گرفته و کوه‌های بزرگ و کوچک و تپه‌های مختلف آن را پوشانده است. جالب این که در میان بزرگ‌ترین سلسله جبال دنیا، غالباً بریدگی‌هایی وجود دارند که انسان می‌تواند راه خود را از میان آن‌ها پیدا کند و کمتر اتفاق می‌افتد که این کوه‌ها به کلی مایه جدایی بخش‌های مختلف زمین گردند و این یکی از اسرار نظام آفرینش واز مواهب الهی بر بندگان است.

از این گذشته، بسیاری از قسمت‌های زمین به وسیله راه‌های دریایی به یکدیگر مربوط می‌شوند، که این خود نیز در عمومیت مفهوم آیه وارد است.

از آنچه گفته شد، روشن گردید که منظور از جمله «لعلکم تهتدون» هدایت یافتن به مقصود و پیدا کردن مناطق مختلف زمین است، هر چند بعضی آن را اشاره به هدایت یافتن در امر توحید و خدا شناسی دانسته‌اند. البته، جمع میان هر دو معنی نیز بی‌مانع است (دوشنبه ۹۹/۱۱/۶).

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلَدًا
مَيِّتًا كَذَلِكَ تَخْرُجُونَ (آیه ۱۱ سوره زخرف)

همان کسی که از آسمان آبی فرستاد به مقدار معین و به وسیله آن، سرزمین مرده را حیات بخشیدیم، همین‌گونه (در قیامت از قبرها) شما را خارج می‌سازند.

یادآوری

همان‌گونه که ملاحظه فرمودید، در آیه قبل به دو موهبت الهی اشاره گردید و لطف و محبت خداوند تبارک و تعالی را به بندگان یادآوری نمود.

در آیه فوق، سومین موهبت را که مسأله نزول آب باران و احیاء زمین‌های مرده است، بازگو کرده و چنین می‌فرماید که همان خدایی که از آسمان، آبی به اندازه معین فرو فرستاد و به وسیله آن، سرزمین مرده‌ای را حیات بخشید. همین‌گونه که زمین‌های مرده با نزول باران زنده می‌شوند، شما نیز بعد از مرگ زنده شده، از قبرها خارج خواهید شد.

تعبیر به «قدر» اشاره لطیفی است به نظام خاصی که بر نزول باران حکم فرما است. یعنی به اندازه‌ای می‌بارد که مفید و ثمر بخش است و زیان بار نیست.

درست است که گاهی سیلاب‌ها به راه می‌افتد و زمین‌هایی را ویران می‌کند، اما این از حالت‌های استثنایی است و جنبه هشدار دارد! ولی اکثر قریب به اتفاق باران‌ها، سودمند و مفید و ثمر بخش هستند. اصولاً پرورش تمام درختان و گیاهان و گل‌ها

و مزارع پُر ثمر، از برکت همین نزول به اندازه باران است و اگر نزول باران نظامی نداشت، این همه برکات عاید نمی‌شد.

در قسمت دوم آیه روی کلمه «انشرنا» که از ماده «نشور» به معنی گستردن است، تکیه شده که رستاخیز جهان نباتات را مجسم می‌سازد. زمین‌های خشکیده که بذرها گیاهان را، هم چون اجساد مردگان در قبرها در دل خود پنهان داشته، با نفخه صور نزول باران به حرکت در می‌آیند، تکانی می‌خورند و مردگان گیاه، سر از خاک بر می‌دارند و محشری بر پا می‌شود، که خود نمونه‌ای از رستاخیز انسان‌ها است و در آیات متعددی در قرآن مجید به آن اشاره شده است.

از خداوند می‌خواهیم که به ما توفیق دهد تا قدردان نعمات الهی باشیم. از درگاهش مسئلت می‌نماییم که مصلحان و رهبران جامعه را طوری هدایت فرماید که در گفتار و کردار خویش، مروج راست‌گویی و امانت‌داری بوده، اجتماع و مردم را از پیروی هوای نفس، بر حذر دارند (سه شنبه ۹۹/۱۱/۷). ایام‌تان به کام، عاقبت‌تان ختم‌به‌خیر. التماس دعا.